



Islamic Maaref University

Scientific Journal
**The History of Islamic Culture
And Civilization**

Vol. 15, Spring 2024, No. 54

**An introduction to the concept of historical thought
with a lexical (moajemi)definition method**

Mohammad Javad Pordel¹ \ Mohsen Alviri² \ Zahra Ruholahi Amiri³

1. Ph.D student of Islamic history at Bagheral Uloom University, Qom, Iran (Corresponding author).
mohammadjavadpordel@gmail.com
2. Professor of History Department of Bagheral Uloom University, Qom, Iran.
alvirim@gmail.com
3. Assistant Professor of the History Department of Bagheral Uloom University, Qom, Iran.
z.rooholahiamiri@yahoo.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	The lack of a significant definition for historical thought, like many words of historical knowledge, has caused ambiguity and errors for the researchers of this science. By choosing the lexical definition method, which has the subtlety of gathering previous definitions and providing a definition close to them, this article has answered the question of what definition can be provided to understand the concept of historical thought among the Available definitions with the celected method. ? By creating a semantic field of words with close meanings and using the library method, the researches gathered around these meanings and the definition of "thought tendency of an individual or the school of opinion in some branches or all the theoretical fields of history" are proposed for historical thought. Finally, in order to determine the boundary of the proposed definition with parallel concepts, the differences between (history, historiography, etc.) were discussed.
Received: 2024.01.23	
Accepted: 2024.06.08	
Keywords	Philosophy of history, lexical definition, historical thought, history, historiography.
Cite this article:	Pordel, Mohammad Javad, Mohsen Alviri & Zahra Ruholahi Amiri. (2024). An introduction to the concept of historical thought with a lexical (moajemi)definition method. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 15 (1), 29-50. DOI: ??
DOI:	??
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مقدمة على مفهوم الفكر التاريخي بأسلوب التعريف المُعجمي

محمد جواد بردل^١ / محسن الويري^٢ / زهرا روح الله اميري^٣

١. طالب دكتوراه تاريخ الاسلام بجامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، ايران (الكاتب المسؤول).

mohammadjavadpordel@gmail.com

٢. استاذ فرع التاريخ بجامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، ايران.

alvirim@gmail.com

٣. استاذ مساعد فرع التاريخ بجامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، ايران.

z.rooholahiamiri@yahoo.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	الاقتراح الي تعريف ملحوظ للفكر التاريخي، مثل الكثير من مفردات علم التاريخ، هو سبب الغموض و الاخطاء للباحثين في هذا العلم. يحظي هذا المقال بانتقاء اسلوب التعريف المعجمي بظرفه تجميع التعاريف السابقة و تقديم تعريف قريب منها. يجب علي هذا السؤال حيث باسلوب منتخب اي تعريف يمكن تقديمه لمعرفة مفهوم الفكر التاريخي من بين التعاريف الموجودة؟ باحداث مضمار علم المعني من مفردات ذات معاني قريبه من بعضها و الاستفادة من الاسلوب المكتبي تجمعت بحوث حول هذه المعاني و تعريف «الزرعة الفكرية للفرد او مدرسه صاحب الرأي في بعض الفروع او جميع حقول التاريخ النظرية» تم اقتراحه للفكر التاريخي و الاستدلال بها. في النهاية لتشخيص حدود التعريف المقترح بالمفاهيم المماثلة يتم التطرق الي التفاوت بينه و (كتابه التاريخ، النظرة الي التاريخ و...).
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٧/١١	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١٢/٠١	
الألفاظ المفتاحية	فلسفه التاريخ، التعريف المُعجمي، الفكر التاريخي، النظرة الي التاريخ، كتابه التاريخ.
الاقتباس:	بردل، محمد جواد، محسن الويري و زهرا روح الله اميري (١٤٤٥). مقدمة علي مفهوم الفكر التاريخي باسلوب التعريف المُعجمي. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٥ (١). ٥٠ - ٢٩. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



دانشگاه معارف اسلامی

نشریه علمی

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۵، بهار ۱۴۰۳، شماره ۵۷

درآمدی بر مفهوم اندیشه تاریخی با روش تعریف مُعجمی

محمدجواد پردل^۱ / محسن الویری^۲ / زهرا روح‌اللهی امیری^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (عج)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mohammadjavadpordel@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (عج)، قم، ایران.

alvirim@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (عج)، قم، ایران.

z.rooholahiamiri@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۵۰ - ۲۹)	فقدان تعریف قابل توجه برای اندیشه تاریخی، همچون بسیاری از واژگان دانش تاریخ، سبب ابهام و خطاهایی برای پویندگان این علم شده است. این مقاله با انتخاب روش تعریف مُعجمی که از ظرفیت گردآوری تعریف‌های پیشین و ارائه تعریفی نزدیک با آنها برخوردار است، به این پرسش پاسخ داده که با روش منتخب چه تعریفی را می‌توان برای شناخت مفهوم اندیشه تاریخی از میان تعریف‌های موجود ارائه کرد؟ با ایجاد میدان معناشناسی از واژگان با معانی نزدیک به هم و استفاده از روش کتابخانه‌ای، پژوهش‌های پیرامون این معانی گردآمده و تعریف «گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب‌نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ» برای اندیشه تاریخی پیشنهاد و به آن استدلال شد. در نهایت برای مشخص شدن مرز تعریف پیشنهادی با مفاهیم هم‌عرض به تفاوت‌های میان آن با (تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری و...) پرداخته شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹	
واژگان کلیدی	فلسفه تاریخ، تعریف مُعجمی، اندیشه تاریخی، تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری.
استاد:	پردل، محمدجواد، محسن الویری و زهرا روح‌اللهی امیری (۱۴۰۳). درآمدی بر مفهوم اندیشه تاریخی با روش تعریف مُعجمی. <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i> . ۱۵ (۱). ۵۰ - ۲۹. DOI: ??
کد DOI:	??
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

توجه به اصطلاحات و مفاهیم متداول در هر دانشی، بایسته ضروری هر علمی است تا دانش پژوهان خود را به درک درست از واژگان آن حوزه دانشی هدایت کند. درک درست از اصطلاحات یک علم سبب می‌شود، پژوهندگان آن به درستی کلمات را شناسایی و انتخاب کرده و به کمک تعریف درست از متغیرهای موضوع پژوهش خود، بتوانند آن را در میسر عزیمت به یک متن علمی و در سطح ارائه به جامعه نخبگانی قرار دهند تا با یافتن جایگاه صحیح خود در سلسله آثار علمی آن رشته، قرار گیرد.

از کاستی‌های آموزشی پیش‌روی دانش تاریخ نیز، فقدان فرهنگ‌نامه جامع در زمینه شرح و توضیح اصطلاحات علمی آن است. فرهنگ‌های نوشته شده در زمینه تاریخ، بیشتر کلمات تاریخ‌نگاران که در کتاب‌ها و منابع تاریخی نوشته شده را مورد توضیح قرار داده‌اند و بخشی نیز تنها به بازگردانی و ترجمه آنها از زبان‌های دیگر به زبان بومی دانش پژوهان اکتفا کرده‌اند. این امر سبب شده تا مرزهای اصطلاحات علمی تاریخ به روشنی از یکدیگر متمایز نشده و برداشت‌های مختلف و حتی اشتباه از واژگان و اصطلاحات علمی تاریخ، چه در فهرست و یا متن کتاب‌های آموزشی و نیز حتی در گفت‌وگوها علمی اساتید و دانش پژوهان آن صورت گیرد.

در دهه‌های اخیر دغدغه‌مندان پیشرفت این علم سعی داشته‌اند تا با نوشته‌های علمی خود، این خطر را به حوزه دانشی تاریخ گوشزد کرده و حتی پیشنهادهایی در جهت اصلاح آن بدهند. چنانچه الویری در مقاله «پیشنهاد طرح‌واره بومی برای فلسفه تاریخ» پیشنهاد واکاوی، متمایزسازی مفاهیم و کاربردهای مختلف واژه تاریخ (تاریخی‌گری، اصالت تاریخ، تاریخ‌گرایی، اندیشه تاریخ و ...) و در نهایت بازتعریف آنها را در شاخ‌وبرگ‌های مطالعات فلسفه تاریخ داده است.^۱ کاترین دوکت (Catherine Duquette) در چارچوب نظری مقاله خود با عنوان «ارتباط آگاهی تاریخی با اندیشه تاریخی از طریق ارزیابی» (Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment)، ابهام در واژگان تاریخی مورد استفاده در فصلنامه‌های دانشگاهی را، به‌عنوان اولین مشکل مواجهه معلمان و اساتید این علم می‌داند و به همین جهت پرداختن به تعریف معانی اندیشه تاریخی، آگاهی تاریخی و درک تاریخی را در این دانش، اندک دانسته و آن را سبب سردرگمی در به‌کارگیری این دست واژگان و اشتباه در برداشت از آنها قلمداد کرده است.^۲

نظر به این نقص و کمک به کاستن آن از ساحت دانش تاریخ، در این پژوهش سعی شده با انتخاب

۱. الویری، پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ، ص ۶۹.

2. Duquette, *Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment*, p. 52.

اصطلاح متداول «اندیشه تاریخی» و برگزیدن روش مُعجمی از میان شیوه‌های تعریف، پاسخ درخوری برای مسئله خود که درک درست و جامع از چیستی مفهوم اندیشه تاریخی است، بیابد. برای نائل آمدن به این هدف از مسیر روش منتخب، ابتداء با شیوه کتابخانه‌ای و توجه به محدودیت حجم مقاله، آثار علمی داخلی و خارجی پیرامون اندیشه تاریخی، گردآوری و سپس تعریف‌های آنها استخراج و با نقد و تصحیح آن در قالب تعریف پیشنهادی از اندیشه تاریخی، وفاقی میان آنها صورت گرفت و در انتها نیز برای مشخص کردن جایگاه اندیشه تاریخی در ساحت دانش تاریخ، با نگاه انتقادی، تمایز آن با دیگر مفاهیم هم‌عرض (تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری و تاریخ اندیشه) مشخص گردید.

۱. تعریف روش معجمی

برای رسیدن به درکی مشترک از مفهوم «اندیشه تاریخی» و یافتن معنای درست آن، لازم است از میان گونه‌های مختلفی که برای شیوه تعریف شمرده شده است، روشی انتخاب گردد. این روش‌ها بر حسب نوع موضوع و هدف به اقسام مختلفی تقسیم می‌شوند که برای معرفی اندیشه تاریخی، روش تعریف مُعجمی (lexical definitio) انتخاب گردید.

روش تعریف معجمی از ظرفیت بالایی در گردآوری انتقادی تعریف پیشینیان برخوردار است که سبب می‌شود تعریف پیشنهادی جدای از تعریف‌های گذشته نباشد و از چارچوب قابل‌فهم برای پژوهندگان تاریخ، فاصله نداشته باشد.^۱ تعریف مُعجمی به معرف خود، معنای جدیدی نمی‌بخشد بلکه شکلی از تاریخ است که معنایی را که از قبل داشته در قالب نقلی، گزارش می‌دهد. لذا در این روش پژوهشگر بنا ندارد یک تعریف جدیدی را ایجاد کند بلکه تعریف‌های انجام شده از آن مفهوم را در یک دوره یا مکان معین جمع‌آوری می‌کند.^۲

۲. مروری بر تعریف‌های موجود اندیشه تاریخی

با روش کتابخانه‌ای از روش‌های گردآوری اطلاعات، ابتدا با مراجعه به فرهنگ‌نامه‌ها و کارهای پژوهشی (کتاب، پایان‌نامه، مقاله) موجود، تعریف‌های تصریحی نویسندگان و یا تعریف عملی^۳ از نحوه کار آنها،

۱. الویری، *تاریخ اجتماعی شیعیان؛ مفاهیم و کلیات*، ص ۲۰.

۲. نظرنژاد، *ماهیت و انواع تعریف*، ص ۳۱.

۳. تعریف عملی: تعریف عملی مقابل تعریف اسمی شناخته می‌شود. یعنی مفاهیم براساس جایگاهی که برایشان در سراسر تحقیق در نظر گرفته شده بازتعریف شوند. در این تعریف کمک گرفتن از فرهنگ‌نامه‌های تخصصی و فرهنگ اصطلاحات جای ندارد. (ملائی توانی، *درآمدی بر روش پژوهش*، ص ۸۱)

استخراج گردید تا در نهایت با مقایسه و عنایت به آنها و بیان ملاحظاتی، تعریف پیشنهادی برای اصطلاح اندیشه تاریخی مطرح گردد.

در یک نگاه کلی برای دست یابی به میدان معاشناسی به آثار علمی نوشته شده در این حوزه با جستجوی واژه‌های «اندیشه تاریخی، تاریخ اندیشی، تفکر تاریخی» و با تسامح «تاریخ‌نگری، تاریخ اندیشه، نگاه تاریخی، ایده تاریخی» در عنوان و کلیدواژه، متن حدود ۵۰ اثر گوناگون فارسی‌زبان و همچنین استفاده از واژگان «Historical thought» به صورت غالب و «Idea of history, Historical Thinking» در لاتین و «الفکر التاريخی» به صورت غالب و «فكرة التاريخ، المعرفة التاريخية، التفكير التاريخی» در زبان عربی پرداخته شد. لیکن بیشتر این نوشته‌ها از تعریف این واژگان - چه در معنای درست و یا نادرست - خودداری کرده و یا آن را در معنای حداقلی (لغوی) به کار برده‌اند.

پژوهش‌هایی که اندیشه تاریخی را به صورت مشخص تعریف کرده و از نگاه نگارنده در مسیر رسیدن به درک علمی از چیستی اندیشه تاریخی به کار آیند، به این شرح است: (تقدم و تأخر ذکر تعریف‌ها پیام خاصی ندارد)

۱. ارنست نولته^۱ فیلسوف تاریخی آلمانی تبار، تاریخ‌اندیشی را تولد یافته عصر جدید می‌داند که ریشه‌های آن را در دوران انقلاب صنعتی و مدرن‌سازی اجتماعی قرن نوزدهم شناسایی می‌کند. در نگاه او اندیشه تاریخی در منطقه مرزی میان فلسفه تاریخ و علم تاریخ منزل گزیده (از این رو فصل دوم کتاب، تاریخ‌اندیشی میان فلسفه و علم عنوان گرفته) و رشته تاریخی جدیدی نیست که با روشی مشخص و یا حوزه موضوعی به‌دقت مرزبندی شده‌ای، تعریف شده باشد، بلکه او تاریخ‌اندیشی را به مثابه گرایش فکری می‌یابد که در شاخه‌های مختلف تاریخ پدیدار می‌شود و بر پایه عبور از مرزهای این شاخه‌ها یا با تلفیقشان سامان می‌یابد.^۲ گرلیش گردآورنده نوشته‌های نولته، منظور وی را از تاریخ‌اندیشی این گونه بیان می‌کند:

نولته عینیات تاریخ را دست‌مایه اندیشه‌گری درباره اکنون و آینده می‌کند و منظور او از تاریخ‌اندیشی همین است.^۳

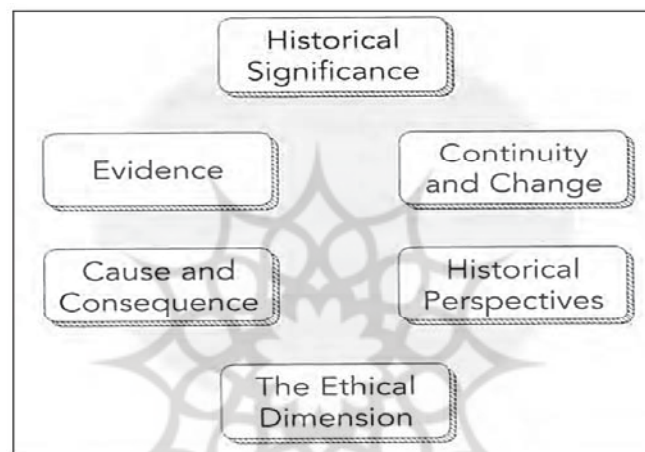
با این تعریف گرلیش در فصل دوم اندیشه تاریخی نولته را به صورت فشرده در شاخه‌های مباحث فلسفه تاریخ، چه در فلسفه نظری تاریخ (هستی‌شناسی تاریخی و جایگاه انسان در تاریخ) و چه در فلسفه علم تاریخ (شناخت‌شناسی تاریخی) از نگاه خواننده می‌گذراند.

1. Ernst Nolte.

۲. گرلیش، ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیشی، ص ۵۳ - ۵۲.

۳. همان، پشت کتاب.

۲. پیتر سیکاس^۱ و تام مورتون^۲ در کتاب *شش مفهوم بزرگ تاریخی* که به‌عنوان الگوی موفق با کاربردی آموزشی برای معلمان تاریخ نوشته شده است، تفکر تاریخی را فرایند خلاقانه که مورخان برای تفسیر شواهد گذشته و تولید داستان‌های تاریخی طی می‌کنند معنا کرده‌اند. آنها برای راهنمایی و آشنا کردن دانش‌آموزان با روش کار مورخان در تبدیل گذشته به تاریخ، نحوه تفکر مورخان درباره رویدادهای گذشته و درنهایت بازنمایی گذشته توسط خود دانش‌آموزان، الگوی شش بزرگ را طراحی کرده‌اند. این مدل شامل شش مشکل پیش‌روی مورخ در مطالعه گذشته است که سرفصل کتاب آنها قرار گرفته است.^۳



شکل یک: مدل شش بزرگ

۳. کاترین دوکت^۴ دکترای تخصصی آموزش دانشگاه لاوال فرانسه^۵ در مقاله خود که با هدف سامان‌دهی نحوه آموزش اندیشه تاریخی در مقطع متوسطه نگاشته است، اندیشه تاریخی را به «مجموعه عملیات شناختی خاص مورد نیاز برای درک و تفسیر دقیق گذشته» معنا می‌کند که از دو عنصر «آگاهی تاریخی» و «روش تاریخی» سامان یافته است. در نگاه دوکت آگاهی تاریخی به‌عنوان چارچوبی درک می‌شود که تفسیر رویدادهای گذشته را هدایت می‌کند و از اجزای پنج‌گانه^۶ تعیین اهمیت تاریخی، شناسایی عناصر تداوم و تغییر، تجزیه و تحلیل علل و پیامدها، توسعه همدلی تاریخی و درنظر گرفتن پیچیدگی‌های گذشته، تشکیل شده است.

1. Peter Seixas.
2. Tom Morton.
3. Seixas & Morton, *The Big Six Historical Thinking Concepts*, p. 2.
4. Catherine Duquette.
5. Université Laval.
6. Duquette, *Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment*, p. 52.

<i>Historical Thinking</i>	
<i>Historical Perspective</i>	<i>Historical Method</i>
Establish historical significance	Question social phenomena of the past
Identify elements of continuity and change	Propose hypotheses
Analyze causes and consequences	Check available sources
Develop historical empathy	Analyze sources with respect to their reliability
Take into account the complexity of the past	Answer initial query

شکل دو : عناصر تشکیل دهنده اندیشه تاریخی

۴. حمادی السایح در کتاب *الفکر التاريخی بین التطویر و التنظیر عند البيرونی* پس از اشاره به زندگانی ابوریحان بیرونی و تاریخچه تاریخ‌اندیشی در عرب پیش از بیرونی، در فصل دوم به تعریف برخی اصطلاحات تاریخی پرداخته و با این مقدمه اندیشه تاریخی بیرونی را گزارش کرده است. او که در مدخل کتاب، بیرونی را مؤسس اندیشه تاریخی عربی اسلامی^۱ می‌داند که اندیشه تاریخی را «گرایش عقلی که مورخ در ارتباط با شناخت تاریخ پیش رویش یا پرداختن به موضوع تاریخ، انتخاب کرده و یا به آن پایبند است»^۲ تعریف کرده است. حمادی نگاه انتقادی در هنگام پرداختن به موضوع تاریخ را لازمه شکل‌گیری و رشد تفکر تاریخی دانسته از این رو بیرونی را کسی می‌داند که به تاریخ نگاه انتقادی داشته است.^۳

برپایه این نوشته‌ها که به صورت مشخص تعریف اصطلاحی را ارائه داده‌اند، اندیشه تاریخی نوعی گرایش فکری و یا درک تاریخی (شناخت گذشته) است که در فرایند آموزشی (سیکاس و دوکت) به عملیات رسیدن به این درک تاریخی شناسانده شد. هدف اندیشه تاریخی در رویکرد آموزشی، تفسیر دقیق شواهد گذشته و تولید داستان تاریخی بوده درحالی که نولته، سامان یافتن یک گرایش فکری برای اندیشه‌گری درباره اکنون و آینده را از آن انتظار داشت. راه رسیدن به این هدف‌ها عبور از مرزها و درنوردیدن شاخه‌هایی مختلف تاریخ و یا تلفیق آنها بود؛ کاری که نولته در کتاب‌های خود انجام داد و بخش‌هایی از آن در فرایند شش‌گانه سیکاس، عملیات شناختی دوکت و یا در تفکر انتقادی حمادی وجود داشت؛ لیکن پوینده (فاعل) آن در رویکردهای آموزشی و نزد حمادی مورخ بود ولی نولته در کتاب‌های خود، این انحصار را نپذیرفت و علاوه بر صاحبان اندیشه رشته‌های تخصصی، با اقدام به بررسی اندیشه تاریخی حاکمان و دولتمردان، نشان

۱. حمادی السایح، *الفکر التاريخی بین التطویر و التنظیر عند البيرونی*، ص ۹.

۲. همان، ص ۵۴ - ۵۳.

۳. همان، ص ۵۴.

داد که سایر افراد شاخص نیز می‌توانند از این اندیشه برخوردار باشند و مورد مطالعه قرار گیرند.^۱

با مشخص شدن ماهیت و روش تاریخ‌اندیشی در تعاریف بالا می‌توان به این اطمینان رسید که پدیدآورندگان سایر نوشته‌ها در حوزه تاریخ‌اندیشی که فاقد ارائه تعریفی برای اندیشه تاریخ می‌باشند، ولی از هریک از روش‌های بالا پیروی کرده‌اند، نیز چنین تعریف‌هایی را مدنظر داشته‌اند. نمونه‌ای از این اقدامات، کارهای علمی پیش‌رو است: محمود شاکر عبود الخفاجی در سه باب از پنج فصل کتاب *ملاح الفکر التاريخی فی القرآن الکریم* به بحث‌های فلسفی تاریخ در قرآن کریم پرداخته است.^۲ کوزری در فصل دوم پایان‌نامه *هگل و تفکر تاریخی* به صورت موضوعی به رابطه فلسفه و تاریخ، رابطه انسان و تاریخ، و هدف تاریخ از نگاه هگل پرداخته است و در فصل سوم به بررسی عینیت در تاریخ پرداخته و روش پیاده‌سازی موضوعات تئوریک بر حوادث را از منظر هگل واکاوی کرده است.^۳ احمدیان در پایان‌نامه *اندیشه تاریخی علامه محمدحسین طباطبایی* حاصل مطالعه و بررسی اندیشه تاریخی علامه طباطبایی را، در بحث فلسفه انتقادی و روش تاریخی (نحوه استشهاد وی به تاریخ برای اثبات ادعای خود و ردّ نظرات دیگران، سودمندی تاریخ، گونه‌های منابع مختلف تاریخی، نحوه‌گزینش وقایع تاریخی، مقایسه و نقد درونی و بیرونی روایت‌های تاریخی) و در بحث فلسفه نظری تاریخ (بیان سنن الهی، غایت تاریخ) تنظیم کرده است.^۴ دهقان در پایان‌نامه *ارشد تاریخ اندیشه تاریخی مرحوم علامه (عبدالحسین) امینی* محور پژوهش خود را بر کتاب *الغده* قرار داده و مباحث خود را در دو شاخه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری علامه امینی بررسی کرده است.^۵ هادی طاهری فهرست پایان‌نامه *ارشد تاریخ و تمدن خود را با عنوان اندیشه تاریخی شهید بهشتی* در دو گروه مبانی اندیشه تاریخی که شامل (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، روش‌شناسی) و مفاهیم اندیشه تاریخی شامل (جامعه، اسلام، عقل، فطرت، توحید، جهان‌بینی، تشکیلات، نظام امت و امامت) تنظیم کرده است تا از این راه بتواند به واکاوی و تبیین اندیشه‌های تاریخی دین‌پژوه و اسلام‌شناس عصر حاضر دکتر بهشتی بپردازد.^۶ روح‌الهی امیری در مقاله «مقریزی تقابل یا تطابق اندیشه کلامی بر اندیشه تاریخی؟»^۷ با بررسی برخی مفاهیم از قبیل (سنت

۱. ر.ک: گریش، *ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش؛ نولته، قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت*.

۲. الخفاجی، *ملاح الفکر التاريخی فی القرآن الکریم*.

۳. کوزری، *هگل و تفکر تاریخی*.

۴. احمدیان، *اندیشه تاریخی علامه محمدحسین طباطبایی*.

۵. دهقان، *اندیشه تاریخی مرحوم علامه (عبدالحسین) امینی*.

۶. طاهری، *اندیشه‌های تاریخی شهید بهشتی*.

۷. روح‌الهی امیری، «تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؟ بررسی موردی دیدگاه تقی الدین علی مقریزی»،

الهی، کارکرد تاریخ، تاریخ‌نگاری و روش تاریخ‌نگاری و ... در اندیشه‌کاوی تاریخی مقریزی نشان داده که همچون سایر پژوهش‌ها، با انتخاب و مطالعه نمایندگان از شاخه‌های مختلف دانش تاریخ، میز پژوهش اندیشه تاریخ را فراتر از سرفصل‌های تک ساحتی تاریخ دیده است. این نگاه فراگیر، متفاوت از کارهاییست که تنها به یکی از شاخه‌های دانش تاریخ توجه داشته است. مانند مایکل جی. دوما^۱ در کتاب **تفکر تاریخی خلاق**^۲ و کادریه ارسیکان و سیکساس در کتاب **جهت‌گیری‌های نوین در ارزیابی تفکر تاریخی**^۳.

۳. تعریف پیشنهادی اندیشه تاریخی

روش معجمی باعث شد تا حد امکان نگاه گذرا به تعریف‌های ارائه شده از اندیشه تاریخی صورت گیرد با این مقدمه اکنون می‌توان تعریف پیشنهادی را مطرح نمود تا هم‌زمان هم از پیوند نزدیکی با تعریف‌های موجود به‌رمند گردد و هم بتوان با تکیه بر آنها ملاحظاتی را ارائه نمود.

اندیشه تاریخی به‌مثابه نگرش فکری صاحب اندیشه و یا مکتبی است که با عنایت به گذشته، نگاه نظام‌مندی به تمامی یا برخی حکمت‌های پس‌رویدادها، چرایی وقوع رویدادها (فلسفه نظری تاریخ) و چگونگی فهم رویدادها (فلسفه انتقادی تاریخ) بایدونبایدهای تدوین رویدادها (روش تاریخی) داشته باشد. به‌طور خلاصه اندیشه تاریخی: گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ است.

باتوجه به این تعریف، اندیشه تاریخی حداقل چهار رویکرد می‌تواند داشته باشد: ۱. آموزش اندیشه تاریخی: که با انجام فرایند و مراحل آموزشی، فعال‌سازی (انگیزه‌سازی)، فرصت ایجاد گرایش فکری (اکتشاف)، تعامل مفهومی و فرصت شرح مفاهیم و ارائه شواهد (توضیح)، ایجاد فرصت استفاده آن در موقعیت جدید (شرح و بسط)، انطباق و تعامل مجدد (ارزشیابی)^۴ در نوآموزان علاقه‌مند به تاریخ صورت می‌گیرد؛ ۲. فراگیری اندیشه تاریخی: شامل سازوکارها و تمرین‌های پیدا کردن گرایش اندیشه‌ای، اکتشاف، توضیح، شرح و بسط، ارزشیابی در سه سطح نظری تاریخ (فهم اندیشه‌ای بستر وقوع و حکمت‌های پس‌رویدادها، نحوه شناخت و تفسیر رویدادها، روش انتقال آنها)؛ ۳. بررسی و پژوهش در اندیشه تاریخی: واکاوی روشمند اندیشه از مسیر پژوهش اثر مکتوب و یا سخن فرد و یا مکتبی که از

1. Michael J. Douma.

2. Douma, Michael, *Creative Historical Thinking*, Britannia: Routledge, 2018.

3. Kadriye Ercikan Seixas Peter, *New Directions in Assessing Historical Thinking*, New York, Routledge, 2015.

۴. ر.ک: حسینی، **یادگیری از نظر تا عمل**، ص ۱۸۶.

چنین رویکرد اندیشه‌ای قابل توجه به تاریخ در شاخه‌های متفاوت نظری آن برخوردار است؛^۴ ارزیابی و نقد اندیشه تاریخی: به معنای کاربرست عقل در تشخیص سیره از ناسیره در ارزیابی نظریه‌ها و دیدگاه‌های این گرایش فکری تاریخی، می‌باشد.

برای تعریف پیشنهادی، ملاحظه و تأمل‌هایی وجود دارد که پرداختن به آنها برای روشن ساختن ابعاد مختلف تعریف ضروری بوده که در ذیل واژگان و اجزاء تشکیل دهنده تعریف، به آنها پرداخته می‌شود:

۱. گرایش اندیشه‌ای: اندیشه تاریخی نوع نگاه فرد و یا مکتب به جایگاه رویدادهای تاریخی در تفسیر هستی‌شناسانه، میزان علمیت و عینیت برداشت از رویدادها، روش ثبت رویدادها و مسائلی از این قبیل است. گرایش دانستن اندیشه تاریخی نشان می‌دهد، این عنایت به تاریخ در عرصه بالاتری از شاخه‌های نظری تاریخ قلمرو دارد. این گرایش در جایگاه نگاه فرد و مکتبی است که در پیش‌فرض خود، سودمندی فراوانی را برای دانش تاریخ در همه ابعاد آن دانسته و برای شاخه‌های مختلف آن (چه در همه شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها و چه در برخی از آنها) منظومه فکری مشخص را ترسیم کرده است؛ از این جهت پژوهش در اندیشه تاریخی، بررسی خود شاخه‌های نظری تاریخ نیست بلکه مطالعه فاعل‌شناسا^۱ در نگاه به شاخه‌های دانش تاریخ است که همان روح حاکم بر شکل‌گیری و تفسیر پدیده‌های تاریخی می‌باشد.

۲. فرد و یا مکتب صاحب‌نظر: توجه به برخی از تعریف‌ها و کارهای پژوهشی انجام شده که مورد پذیرش نهادهای علمی داخلی و خارجی قرار گرفته و همچنین پرداختن به اندیشه‌های حوزه‌های دانشی و یا حتی غیر دانشی در کارهای نولته، نشان‌دهنده آن است که در کسب اندیشه تاریخی، التزامی به مورخ بودن صاحب اندیشه (برخلاف حمادی) و یا حتی تحصیل در رشته‌های علمی آکادمیک (برخلاف بحرانی)^۲ نیست. از سویی نیز هر فردی، اندیشه‌ای تاریخ ندارد و یا بررسی اندیشه تاریخی او از اهمیت علمی برخوردار نمی‌باشد، لذا ارتقاء آن از بستر توده مردم به جامعه نخبگانی اقدامی پسندیده است ولی مالکیت آن، به صورت اختصاصی برای گرایش علمی تاریخ، فلسفه و یا هر حوزه دانشی دیگر قرار ندارد.

1. Subject.

۲. بحرانی در پایان‌نامه ارشد تاریخ خود با عنوان *اندیشه‌های تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت* منظور خود را از اصطلاح اندیشه تاریخی این‌گونه بیان کرده است: «آنچه از اندیشه تاریخی مراد است درک و تفسیری است که افراد از چیستی، اهمیت، ابعاد، جایگاه و چگونگی کاربرست دانش تاریخ و یا آگاهی‌های تاریخی در رشته تخصصی مورد اهتمام خود دارند». بحرانی با این تعریف، اندیشه‌های تاریخی یک مفسر قرآن کریم را در سرفصل‌های مباحث تاریخ واکاوی کرده است. (بحرانی، *اندیشه تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت*، ص ۵۱)

مراد از مکتب نیز مجموع ایدئولوژی و جهان بینی است که شامل منشأ الهی و یا انسانی می باشد و در صورت دوّم، اعم از اینکه این دیدگاه تاریخی توسط فرد به وجود آمده باشد و یا گروه خاص متفکران به نظری مشترکی دست یافته باشند را شامل می شود. آثاری همچون *الموریسکیون فی الفکر التاریخی*^۱ که به بررسی اندیشه تاریخی گروهی از مسیحیان (همان نوکیشان مسلمانان اسپانیا) پرداخته و *ملاح الفکر التاریخی فی القرآن کریم*^۲ که گوشه ای از اندیشه تاریخی قرآن کریم را بررسی کرده، می توان به عنوان نمونه ای از اندیشه تاریخی مکتبی معرفی کرد.

۳. در برخی از شاخه ها و یا تمامی ساحت های نظری تاریخ: فهرست متداول شاخه های دانش تاریخ نشان می دهد که این علم به دو قسم کلی (تاریخ به مثابه رویداد، مباحث نظری تاریخ) تقسیم یافته است. تاریخ به مثابه رویداد یا تاریخ نقلی اکنون گرایش های مختلف (تاریخ جهان، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ معاصر و ...) را به خود اختصاص داده است. مباحث نظری تاریخ نیز به علت معنای دوگانه تاریخ از دو شاخه کلی فلسفی (فلسفه نظری تاریخ یا همان هست تاریخی، فلسفه انتقادی تاریخ یا شناخت و روش تاریخی) تشکیل یافته است.^۳ امروزه تلاش دغدغه مندان این علم سبب شده تا تحولاتی نسبت به فهرست نظری تاریخ در ایران پدید آید و رفته رفته مباحث نظری تاریخ با افزوده شدن تاریخ ورزی، روش در تاریخ و ... کامل گردد. جایگاه اندیشه تاریخی، در این شاخه نظری تاریخ جای دارد^۴ که هر یک از دو شاخه فلسفی آن نیز به زیرشاخه های گسترده ای تقسیم می شوند.

۴. تفاوت اندیشه تاریخی و مفاهیم هم عرض

برای مشخص شدن مرزهای تعریف پیشنهادی «اندیشه تاریخی» و یافتن جایگاه و قرارگاه علمی آن برای مطالعات تاریخی، لازم است تفاوت مفهوم تاریخ اندیشی با برخی از مفاهیم نزدیک به آن مشخص گردد.

۴-۱. تفاوت اندیشه تاریخی با تاریخ نگاری

از جمله پیوندهای واژگانی «تاریخ»، در آمیختگی با واژه «نگار» با پسوند «یاء» بوده تا در نهایت ترکیب «تاریخ نگاری» از آن زاده شود. تاریخ را در معانی گوناگون (رویداد، وقایع، زمان، سرگذشت، تقویم و ...) آورده اند

۱. ایبارا، *الموریسکیون فی الفکر التاریخی*.

۲. الخفاجی، *ملاح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم*.

۳. الویری، *پیشنهاد طرح واره ای بومی برای فلسفه تاریخ*، ص ۵۸.

۴. همان.

۵. دهخدا، *لغت نامه دهخدا*، ج ۱، ص ۶۷۵.

که در اینجا معنای «گزارش از گذشته» برای آن مناسب‌تر است.^۱ نگار نیز اسم از مصدر نگاشتن است^۲ و پسوند «یاء» آن را به معنای حاصل مصدر نگاشتن تبدیل و یا منسوب به «نگار» کرده است.^۳ از این رو واژه تاریخ‌نگاری به معنای گزارش‌نوشت گذشته و گزارش مکتوب گذشته می‌باشد. تاریخ‌نگاری «تاریخ‌نویسی و یا منطق تاریخ»^۴ در اصطلاح به توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان و در معنای خاص ثبت وقایع، احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می‌شود.^۵

امروزه تاریخ‌نگاری یک شاخه علمی از دانش تاریخ را در سطح جهانی کسب کرده و معنایی متکامل و علمی را نسبت به معنای ابتدائی خود پیدا کرده است. این مطالعات از روزنه معرفت‌شناختی (نگاه درجه دو) وارد شده و پایه پژوهش تاریخی خود را بر تفسیرگرایی و موضوع آن را تأمل نقادانه، هم به متن‌های تاریخ‌نگارانه و هم به اندیشه، گفتمان، سبک، روش و دستاوردهای مورخان اختصاص داده است.

مطالعه خبر یک واقعه تاریخی، خود آن واقعه تاریخی نیست بلکه درک مورخ از آن واقعه و انعکاس ادراک تاریخی تاریخ‌نگار، می‌باشد؛^۶ از این رو زاویه‌نگاهی که تاریخ‌نگار در گزارش رویداد و تفسیر آن انتخاب می‌کند در تاریخ‌نگاری او، تفسیرها و نحوه نتیجه‌گیری‌ها بسیار مؤثر است.^۷ هر متن تاریخی اقدام فعال تاریخ‌نگار در واکنش همسو و یا غیر همدلانه با فضای زمانه خود است که متن را در آن فضا تولید می‌کند. لیکن باین حال متن‌های تاریخی حاصل تجلی نگاه مورخ، تنها در یک عرصه از میدان‌های جولانگاه اندیشه تاریخی است.

در اندیشه تاریخی نیازی به کسوت مورخ برای ثبت وقایع تاریخی نیست بلکه هر فردی که نگاه قابل ملاحظه‌ای به تاریخ دارد، می‌تواند دارای اندیشه تاریخی باشد. لذا سخن یک فرد غیرتاریخی (مانند فلاسفه، دین‌پژوهان، جامعه‌شناسان و ...) نیز که حاوی دیدگاه تأثیرگذار در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخ باشد می‌تواند منشأ این بررسی قرار گیرد. در اندیشه تاریخی، سخن از مطالعه اندیشه تاریخی مکتب‌ها نیز وجود داشت که در تاریخ‌نگاری، یا وجود ندارد و یا به‌ندرت بتوان وفاقی بین مورخین مکتب بر آن پیدا کرد. علاوه بر این تفاوت‌ها، التزامی بر این نکته نیست که هر نگارش تاریخی،

۱. رایبسون، *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ص ۱۳.

۲. دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۲، ص ۳۰۳۴.

۳. معین، *فرهنگ معین*، ص ۳۵۹.

۴. زرین کوب در کتاب *تاریخ در توازن*، ص ۱۰۸ - ۵۲ به صورت مکرر تاریخ‌نویسی را به‌جای تاریخ‌نگاری به‌کار برده است. (ر.ک: بختیاری، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری زرین کوب»، *مجله تاریخ پژوهی*، ش ۴۶، ص ۶۴ - ۶۳)

۵. سجادی و عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۱۳.

۶. شرفی، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها*، ص ۸۸.

۷. کیانپور، «روش‌شناسی تاریخ‌نگاری»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۵۸، ص ۱۲۸.

حکایت‌کننده بر داشتن اندیشه و نگاه نظام‌مند به شاخه‌های تاریخ نزد پدیدآورنده آن باشد. چه بسیار مورّخانی که از منظر تعلیل و تحلیل یا فهم چپستی‌ها، چرایی‌ها و نقد و ارزیابی، به تاریخ نگاه نکرده‌اند و تنها به دنبال ثبت و ضبط رویدادها و در نهایت توصیف آنها برآمده‌اند. از این رو می‌توان رابطه محصول این دو مفهوم را عموم و خصوص من‌وجه از رابطه‌های چهارگانه منطقی دانست ولی از جهت مفهومی رابطه تباین دارند. شاید همین تفاوت‌ها سبب شده تا گرلیش در ابتدای فصل دوم با به تصویر کشیدن پهنه اندیشه تاریخی نولته، بسنده کردن به عنوان (تاریخ‌نگار) را برای او ناکافی بداند.^۱

عدم توجه به تفاوت بررسی تاریخ‌نگاری با اندیشه تاریخی سبب شده تا برخی از نوشته‌های علمی، به جای تاریخ‌نگاری در عنوان خود از اندیشه‌های تاریخی استفاده کنند. چنانچه شعبان‌زاده در مقاله «اندیشه‌های تاریخی - سیاسی مورّخان عصر غزنوی باتکیه بر عتبی، بیهقی، گردیزی» به تأثیر بافت و روش تاریخ‌نگاری این سه مورخ پرداخته است و کار او بیش از آنکه شباهت به اندیشه تاریخی داشته باشد، بررسی روش تاریخ‌نگاری است.^۲ لشگری نیز در پایان‌نامه ارشد تاریخ انقلاب اسلامی خود با عنوان (بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او) به نحوه گزارش رویدادهای تاریخی محمدتقی بهار در اشعار و آثار علمی - هنری او پرداخته است.^۳

۲-۴. تفاوت آن با تاریخ‌نگاری

در ترکیب تاریخ‌نگاری «تاریخ» به معنای «گذشته» بوده و «نگر» اسم از مصدر «نگریستن» با پسوند «یاء» هست که آن را به معنای حاصل مصدر «نگرش» تبدیل کرده است. از این رو واژه تاریخ‌نگاری به معنای «بینش و نگرش به گذشته» هست.

محمد بختیاری در کتابی که در شرح زندگانی علمی عبدالحسین زرین‌کوب تدوین کرده ابداع لغت تاریخ‌نگاری را در رشته تاریخ را از آن زرین‌کوب در کتاب *تاریخ در توازو* دانسته است. او بعد گله از اینکه زرین‌کوب در این کتاب و در سایر پژوهش‌های خود چه در لباس مؤلف و یا نویسنده و چه در قامت استاد راهنما در تعریف تاریخ‌نگاری به عبارت «همان فلسفه تاریخ» بسنده کرده، با سه شاهد شروع به استدلال در تفسیر عبارت بالا نموده که حاصل آن این است: از نگاه ضمنی زرین‌کوب معنای مصطلح تاریخ‌نگاری، دامنه‌ای فراگیر در فلسفه تاریخ دارد و شامل هر دو شاخه آن (فلسفه نظری، فلسفه تحلیلی)

۱. گرلیش، *اوست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش*، ص ۴۷.

۲. شعبان‌زاده، «بررسی اندیشه‌های تاریخی - سیاسی مورخان عصر غزنوی باتکیه بر عتبی، بیهقی، گردیزی»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، ش ۳، ۱۱۸ - ۹۰.

۳. لشگری، *بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او*.

تاریخ می‌گردد. او این استدلال را پاسخی به دیگر پژوهش‌ها در مورد آثار زرین کوب دانسته که بر آن هستند که مراد از تاریخ‌نگری تنها شامل نگرستن و نگاه‌ها در حوزه مباحث فلسفه نظری تاریخ است.^۱ بختیاری در تفاوت تاریخ‌نگری «فلسفه تاریخ» با تاریخ‌نویسی «تاریخ‌نگاری» از نگاه زرین کوب، تاریخ‌نگری را نوع نگرش «بینش» به مسائل تاریخ و تاریخ‌نویسی را شیوه و «روش» نگارش رویدادهای تاریخی می‌داند.^۲ او در مقاله‌ای با همین عنوان می‌نویسد:

در واقع تاریخ‌نگاری مقدمه تاریخ‌نگری است که اگر با روش صحیح علمی به نگارش درآید نتیجه حاصل آن به عینیت نزدیک بوده و در فهم بهتر چرایی حوادث به مورخ کمک خواهد کرد.^۳

اگر واژه تاریخ‌نگری را معادل درستی از (Historicism) بدانیم^۴ این واژه می‌تواند قابل اطلاق بر نظرات هگل (۱۸۳۱م) دانست که از همان زمان و یا پیش‌تر از آن در سال ۱۷۹۷ م توسط فیلسوف آلمانی فردریش شلگل^۵ وارد واژگان تاریخ شده است. تاریخ‌نگری در این معنا برابر است با نگرش و جهان‌بینی که تاریخ را محیط و مؤثر در تمام امور انسان، اعم از فهم، عقل، شناخت، عقاید، مذهب، فرهنگ و ... و تعیین‌کننده مسیر زندگی او می‌داند.^۶ از این رو باید تفسیر تاریخ‌نگری را نیز در همین ابعاد از آن انتظار داشت که قالب فلسفه تاریخ به خود خواهد گرفت. مجید کافی زمینه کار تاریخ‌نگری را بررسی آثار تاریخی از جنبه محتوایی آن می‌داند. او در توضیح جنبه محتوایی می‌نویسد:

در جنبه محتوایی آثار تاریخی نگرش مورخ به تاریخ، اندیشه‌های بنیانی مورخ، اصول موضوعه، پیش‌فرض‌هایش و ... نسبت به وقایع گذشته (فلسفه نظری تاریخ) و چه نسبت به معرفت تاریخ (فلسفه علم تاریخ) مورد توجه قرار می‌گیرد.^۷

۱. صالحی، *تاریخ‌نگری و اصول تاریخ‌نگاری از دیدگاه زنده یاد عبدالحسین زرین کوب*، ص ۱۵؛ پرهون، «فلسفه نظری استاد عبدالحسین زرین کوب با تکیه بر کتاب تاریخ در ترازو»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۳۵، ص ۳۲؛ راعی گلوجه، «هویت ملی و ایرانی‌گری در تاریخ‌نگاری زرین کوب»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۵، ص ۱۱۹.

۲. بختیاری، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دکتر زرین کوب*، ص ۶۶ - ۶۵.
۳. همان، ص ۳۰.

۴. عرب صالحی بر آن است که در ترجمه (Historicism) تاریخ‌نگری بر معانی چون تاریخ‌گرایی و تاریخ‌گری ترجیح دارد چرا که قبل از اینکه یک گرایش باشد، یک نگرش و جهان‌بینی است. (ر. ک: عرب صالحی، *فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم*، پاورقی ص ۲۳)

5. Friedrich Schlegel.

۶. عرب صالحی، *فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم*، پاورقی ص ۲۳.

۷. کافی، *فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)*، ص ۱۷ و ۲۴.

کافی با این توضیح «تاریخ‌نگری» را معادل نگرش و دیدگاه مورخ نسبت به گذشته تاریخی (فلسفه نظری تاریخ) تعریف می‌کند. او در تفاوت تاریخ‌نگاری با تاریخ‌نگری، اولی را مربوط به علوم نقلی و دومی را مربوط به علوم عقلی می‌داند.^۱

شرفی در مقاله «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها» تاریخ‌نگری را واکاوی عرصه نگاه مورخ به رویدادها و یا حوادث تاریخ، معرفی می‌کند و ضرورت آن را در این می‌داند که درک و فهم واقعه تاریخی بدون شناخت اندیشه‌ای که در پس رویداد تاریخی نهفته، در واقع فهم و درک ناقصی است.^۲

در دهه‌های اخیر آثار دیگری هرچند اندک با عنوان تاریخ‌نگری در ایران نوشته شده‌اند ولی شمار کمی از آنها تاریخ‌نگری را تعریف کرده‌اند. مشاهده این تعریف‌ها نیز تاریخ‌نگری را معادل فلسفه نظری تاریخ و یا فزون‌تر از آن معادل فلسفه تاریخ و شامل هر دو معنای تاریخ قرار داده است.^۳

باین حال هرچند تاریخ‌نگری قرابت خیلی نزدیکی با اندیشه تاریخی دارد لیکن تمامی تعریف‌های تاریخ‌نگری، بررسی آن را در مطالعه درک تاریخی مورخ توسط پژوهنده دانسته‌اند. این در حالی است که در تعریف اندیشه تاریخی، برخی از تعریف‌ها از جمله تعریف پیشنهادی این پژوهش، اختصاص آن را به مورخ بودن نپذیرفت و حتی سهمی برای مکاتب نیز در تاریخ‌اندیشی گشود همان‌طور که مجال اندیشه در تاریخ را به اندیشمندان و دانش‌پژوهان سایر علوم و یا افراد شاخص نیز داد. علاوه بر این در تعریف تاریخ‌نگری تمایز آن با تاریخ‌نگاری، به دوگانه «بینش و روش» تصریح شد؛ درحالی که در اندیشه تاریخی، واکاوی اندیشه‌ای در سطحی بالاتر و افقی گسترده‌تر از هر دو منظر پیشین و شامل واکاوی بینش، روش، منش (رفتار)، انگیزه و گرایش تا رسیدن به دانش فرد یا مکتب نظاره‌گر تاریخ است. شاید به همین علت ناکافی بودن این واژگان بوده که لغت «اندیشه» توسط زرین‌کوب به‌عنوان فصل دهم (اندیشه تاریخی‌نگری) کتاب «تاریخ در ترازو» در پیشوند «تاریخ‌نگری» اضافه گشته است.

نیاز به کاربرت اندیشه تاریخی برای پژوهش‌هایی که هم می‌خواهند بررسی بینشی (تاریخ‌نگری) و هم روشی (تاریخ‌نگاری) داشته باشند و هم به‌دنبال سازوکار تألیف گزاره‌های تاریخ و تدوین آنها و هم بررسی حکمت پنهان پس‌رخدادها و تبیین چرایی آنها باشند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. استفاده نکردن از عنوان «اندیشه تاریخی» در جایی که دو رویکرد (روش و گرایش) با هم بررسی شده سبب می‌شود که مرزها به هم ریخته و ناخواسته پژوهش در چارچوب خود انجام نگیرد. چنانچه خدای در

۱. کافی، *فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)*، ص ۲۴.

۲. شرفی، «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها»، *نشریه تاریخ*، ش ۱۵، ص ۹۲.

۳. همان.

پایان نامه ارشد تاریخ خود با عنوان **تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین علیهم‌السلام باتکیه بر نهج البلاغه** بحث‌های روشی و تاریخ‌نگاری را (روش اعتبار سنجی گزاره‌های تاریخ، ارجاعات تاریخی، ابزار گردآوری داده‌های تاریخی و ...) ذیل بحث‌های تاریخ‌نگری آورده است.^۱

۳-۴. تفاوت با تاریخ اندیشه

«تاریخ اندیشه» یا «تاریخ فکری» یا «تاریخ ایده‌ها» و یا «تاریخ ذهنیت‌ها»، نگارش آنچه که مردم می‌اندیشند نه آنچه انجام می‌دهند است که به صورت تاریخ افکار و عقاید نمودار می‌شود.^۲ تاریخ اندیشه مطالعه سرگذشت فکر یا افکار و عقیده یا عقاید مردم و بررسی آن در ادوار گوناگون است.^۳ این گرایش امروزه توانسته در تاریخ جایگاه پیدا کند که مطابق آن دیگر تاریخ، تک‌محصول بررسی کردار زنان و مردان را ندارد بلکه به پندار آنها نیز می‌پردازد.^۴ مسئولیت این نوع تاریخ، بررسی برداشت‌ها، خیال‌پردازی‌ها، امیدواری‌های مردم در مورد یک موضوع خاص عصر گذشته است.^۵ براساس این دیدگاه، کنش افراد در گذشته با توجه به باورها، عقاید، انگیزه‌ها و به طور خلاصه بینش و گرایش آنها تفسیر می‌شود.

نخستین رگه‌های این نگاه به تاریخ را می‌توان در اثر ولتر^۶ دانست که بر این باور بود: «تاریخ، ذهن بشر و موضوع واقعی علم تاریخ است». رهروان این نگاه را می‌توان توگو،^۷ کُندرسه^۸ و حتی می‌توان بر نظرات هگل و کالینگوود تطبیق داد. توجه دیلتای^۹ به گذشته اندیشه‌ها سبب شد تا هالبورن^{۱۰} از او به عنوان پدر تاریخ اندیشه یاد کند. در نیمه دوم قرن بیستم، تاریخ اندیشه‌ها در کار فرانسویان علاقه‌مند به معرفت‌شناسی همچون باشلار،^{۱۱} کانگیلم^{۱۲} و فکو^{۱۳} تحت تأثیر قرار گرفت، بدین سان نقش عاملان یا کنشگران عرصه اندیشه تقلیل یافته و بر ساختارهای آگاهی و ماقبل آگاهی حاکم بر اندیشه در هر عصر تأکید شد.^{۱۴}

۱. خدای، **تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین علیهم‌السلام باتکیه بر نهج البلاغه**.

۲. استنفورد، **درآمدی بر فلسفه تاریخ**، ص ۱۸ - ۱۷.

۳. کافی، **فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)**، ص ۳۷.

۴. استنفورد، **درآمدی بر فلسفه تاریخ**، ص ۱۸؛ نوذری، **فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**، ص ۷۷.

۵. استنفورد، **درآمدی بر فلسفه تاریخ**، ص ۱۸؛ نوذری، **فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**، ص ۷۷.

6. Voltaire.

7. Togo.

8. Condorcet.

9. Wilhelm Dilthey.

10. Holborn.

11. Bachelar.

12. Canguilhem.

13. Michel Foucault.

۱۴. کافی، **فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)**، ص ۴۰ - ۳۸؛ رضوی، **فلسفه انتقادی تاریخ**، ص ۱۰۵.

تعریف‌های ارائه شده از تاریخ اندیشه بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست و همان چیزی که از نام‌گذاری این نوع از مطالعات تاریخی (تاریخ اندیشه) انتظار می‌رود؛ لیکن این عنوان در آثار پیرو آن بیشتر به‌عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های فلسفه تاریخ یا معادل فلسفه تاریخ قرار گرفته و این در حالی است که تعریف‌های یادشده عرصه‌ای فراخ‌تر از پژوهش‌های اندیشه‌ای را در عرصه تاریخ پی می‌گیرد. چنانچه مایکل استنفورد در تعریف خود مطالعه اعمال گذشتگان را توسط مورخ ناکافی دانسته و تأکید بر مطالعه افکار، اندیشه‌ها و عقاید کنشگران تاریخ (تاریخ‌سازان) را داشت. او مطالعه اندیشه را مطالعه فکر مردم در ادوار گوناگون دانست. یا اینکه آر. جی. کالینگوود از اندیشمندان برجسته این حوزه که نوشته‌هایش بعد از مرگ او (۱۹۴۵م) در کتابی با نام **The Idea of History** ^۱ (اندیشه / ایده در تاریخ) انتشار یافت؛ براین اعتقاد بود که مورخان باید کار خود را از جنبه‌های صرفاً مادی یا توصیف آنچه جنبه مادی و جسمانی دارد، آغاز کنند اما هدف آنها دسترسی به ورای این جنبه‌های مادی یعنی دستیابی به افکار که در آن سوی اعمال ظاهری قرار دارد، باشد. از نگاه او مورخان باید از ظاهر رویدادها به درون آنها بروند تا از این راه، ماهیت واقعی رویدادها را درک کنند. او درک جزئیات گذشته را در گروهی درک اعمال و رفتار گذشته انسان‌ها از راه مدارک و شواهد دانست که با شناخت آنها می‌توان به افکار نهفته در این اعمال پی برد.^۲ بدین‌قرار از نظر وی «تمام تاریخ، تاریخ فکر است». او پرداختن به انگیزه‌ها و اندیشه‌های عاملان و تاریخ‌سازان را به‌عنوان علیت تاریخی ضروری می‌شمارد.^۳ امروزه نیز همین معنا در معرفی تاریخ اندیشه و مسائل آن میان پژوهش‌های جدید یافت می‌شود، چنانچه فیاض انوش، مسائل تاریخ اندیشه را آن‌دسته از مسائلی دانسته که در همه زمان‌ها و مکان‌ها ذهن انسان‌ها را به خود مشغول کرده و ادیان، فلسفه‌ها، نحله‌ها، فرقه‌ها، مکتب‌ها و ایسم‌های متعددی برای پاسخ‌گویی به آن پدیدار شده است.^۴

علاوه بر آنچه که گذشت، آثاری که با عنوان‌های تاریخ اندیشه در رشته‌های علمی مختلف (تاریخ اندیشه سیاسی، تاریخ اندیشه فلسفی، تاریخ اندیشه اجتماعی، تاریخ اندیشه اقتصادی و ...) ^۵ نگاشته

۱. این کتاب به فارسی با نام **مفهوم کلی تاریخ**، توسط علی‌اکبر مهدیان ترجمه شده است که سوگمندان ترجمه عنوان کتاب با نام اصلی آن فاصله دارد.

۲. ر. ک: والش، **مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ**، ص ۵۸؛ استنفورد، **درآمدی بر تاریخ پژوهی**، ص ۱۱۳.

۳. ر. ک: استنفورد، **درآمدی بر تاریخ پژوهی**، ص ۸۳؛ رضوی، **فلسفه انتقادی تاریخ**، ص ۲۲۳.

۴. فیاض انوش، «نسبت نقد تاریخ با فراتاریخ؛ یک پیشنهاد»، **پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی**، ش ۷۷، ص ۲۵۸.

۵. همانند:

۱. (کتاب) حلی، **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی**.

۲. (کتاب) توانایان فر، **تاریخ اندیشه اقتصادی و سمیونلز، تاریخ اندیشه اقتصادی از ارسطو تا جان استوارت میل (پیش از میلاد تا سده نوزدهم)**.

شده‌اند نیز نشان‌دهنده وسعت معنایی تاریخ اندیشه و اشاره‌کننده به حیث اضافی^۱ بودن تاریخ اندیشه هستند که می‌توانند در رشته‌های مختلف، نقش تاریخ علم را از بُعد تاریخی بررسی اندیشمندان و صاحب‌نظران آن دانش داشته باشند. لذا برخلاف تعریف‌های بالا، دیگر نیازی نیست تاریخ اندیشه، پدیدآمده دست موّخ باشد بلکه خود یک واحد مطالعاتی آن رشته از منظر تاریخ است. به دیگر سخن در اینجا، تاریخ یک اندیشه و یا نظریه در میدان آن علم بررسی می‌گردد در حالی که اندیشه تاریخی تباری تاریخی دارد و از بحث‌های مهم و کلیدی تاریخ می‌باشد. اندیشه تاریخی می‌تواند در زمان کنون و حال باشد (مانند بررسی اندیشه تاریخی رهبر جمهوری اسلامی و ...) ولی عنایت و تکیه‌گاه فاعل شناسا (فرد یا مکتب) به گزارش‌های تاریخ است در صورتی که تاریخ اندیشه، فکر یا نظریه را در پهنه تاریخ بررسی می‌کند. آنچه در ابتدا و به صورت مستقیم در تاریخ اندیشه تأثیرگذار است مطالعه آن فکر، ایده و نظریه است ولی در اندیشه تاریخی، مهم منظومه اندیشه تاریخی فرد یا مکتب است. اگر هم بناست تاریخ اندیشه‌ای در خود دانش تاریخ بررسی گردد، در قالب تاریخ یکی از موضوعات و یا نظریه‌های علم تاریخ با عنوان «تاریخ اندیشه تاریخی» نام می‌گیرد.

با این مرزبندی و بیان تفاوت‌ها (در مفهوم، موضوع، مسئله، روش، هدف و نتیجه) مشخص می‌گردد که علاوه بر تمایز دو عنوان «اندیشه تاریخی» با «تاریخ اندیشه» شماری از نوشته‌های علمی که در موضوع اندیشه تاریخی نوشته شده، در واقع تاریخ اندیشه است مانند مقاله «امام خمینی و احیاء اندیشه تاریخی ولایت فقیه»^۲ و یا مقاله «امپراتوری‌های اسلام در اندیشه تاریخی رنسانس»^۳.

۳. (کتاب) سالکی، *تاریخ اندیشه‌های دینی*؛ ایاده، *تاریخ اندیشه‌های دینی*.

۴. (کتاب) اولیچ، *مربیان بزرگ (تاریخ اندیشه‌های تربیتی)*.

۵. (مقاله) میبیدی، *سیر تاریخ اندیشه سلفی‌گری در شبه‌قاره هند از قرن دوازده تا سیزده هجری و ...*

۱. آدمیت در کتاب، *تاریخ فکر*، به صورت مطلق به تاریخ فکر پرداخته ولی در حقیقت او در متن کتاب، اندیشه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و جنبش‌های‌های جوامع در تمدن سومر تا کرت را در یک بازه زمانی مشخص بررسی کرده است.

۲. در صورتی که عنوان درست این نوع پژوهش تاریخ اندیشه است همان‌گونه که عبادی پایان‌نامه خود را با عنوان «بررسی تاریخی اندیشه ولایت فقیه از ابتدای قاجار تا انقلاب اسلامی» و رحمان ستایش عنوان مقاله «فرایند تاریخی اندیشه ولایت فقیه» را تنظیم کرده است.

۳. این اثر به زبان لاتین با عنوان «Empires of Islam in Renaissance Historical Thought» نوشته شده که در آن نویسنده، مرگریت مسرو (Margaret Meserve) یکی از نظرات تاریخی عصر رنسانس مبنی بر اتحاد نژادی ترکان را مبنای بررسی تاریخی خود در اقوام ترک (ترک‌های آسیای مرکزی و غربی، خزرها، اوغوزها و سلجوقیان) قرار داده است. او هدف کار خود را این‌گونه بیان می‌کند: من قصد دارم یکی از فرضیات اصلی مورخان رنسانس را در مورد هویت عثمانی بازتولید کنم: اینکه ترک‌ها اعضای یک نژاد ژنتیکی واحد بودند که تاریخ آن را می‌توان در طول قرن‌ها به یک پیدایش در دوران باستان ردیابی کرد.

البته از جهت مصداق در رابطه‌های چهارگانه منطقی مواردی مشترک و غیر مشترک در هر سو (عموم و خصوص من وجه) وجود دارد که مصداق مشترک آن می‌تواند همان بررسی تاریخی (اندیشه‌های تاریخی) باشد. کتاب‌هایی نظیر *اندیشه تاریخی تودور*^۱ نوشته لوی^۲ را شاید بشود از این دست‌نوشته‌ها دانست چراکه لوی در این کتاب اندیشه‌های انسان‌گرایی، نگارش تاریخ انگلیسی، باستان‌شناسی، سنت وقایع‌نگاری، مردمی شدن تاریخ را از منظر تاریخی بررسی کرده و هم در خلال این بحث‌ها مباحث اندیشه‌های تاریخی همچون علم بودن و یا نبودن تاریخ و نظرات در این باره، تطور تاریخ، نقش خداوند در تاریخ و عینیت در تاریخ را از منظر اندیشمندانی چون (رالی، ماکیاولیستی، هیگدن و بیکن) در زمان حاکمیت دودمان تودور انگلستان و ولز (۱۴۸۵ تا ۱۶۰۳ م) را بررسی کرده است.

آنچه از تفاوت میان اندیشه تاریخی با تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشه گفته شد به این معنا نیست که ارتباطی میان آنها با یکدیگر وجود نداشته باشد، بلکه این سه مؤلفه همانند سایر شاخه‌های تاریخ، ذیل تاریخ‌اندیشی نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرند و دارای بنیاد فکری می‌شوند. این امر به آن جهت است که اندیشه تاریخی با قرار گرفتن در جایگاه یک منبع معرفتی، جنس و شأن اندیشه‌ای برای تاریخ (چه به‌مثابه رویدادها و چه در ساحت مباحث نظری) ایجاد می‌کند که آن را از سطح نقل به‌سوی کاویدن فلسفه و حکمت‌های پس‌جریان‌های تاریخی، راه فهم آنها، باید و نبایدهای تدوین و روش انتقال گزارش رویدادها، گذر می‌دهد. سرانجام این اقدام اندیشه‌ای در متن یا سخن فرد و یا مکتبی که در پیش‌فرض‌های خود سودمندی برای تاریخ در نظر گرفته و از همین‌رو منظومه اندیشه‌ای مشخصی را در همه یا برخی از ابعاد آن (به فراخور نگاه ژرف در رویدادهای تاریخی و فراگیری عرصه‌های نظری تاریخ) ترسیم کرده، پدیدار می‌شود.

همچنین اندیشه تاریخی، خود را محدود به علم تاریخ و وامدار آن ندانسته بلکه همان‌گونه که تاریخ در تعامل با سایر علوم قرار می‌گیرد و گذشته تاریخی سیر تطور و تحوّل مسائل‌های آن را یادآوری می‌کند، بررسی معرفتی اندیشه تاریخی (نگاه درجه دو) دانشمندان آن علم که از تاریخ بهره برده‌اند نیز برای پویندگان این دانش‌ها با تبیین سودمندی تاریخ در تعامل با سایر حوزه‌های علمی، نگاه متفاوتی را به دانش مطالعاتی خود می‌گشاید که در آن با ارتباط میان صفحات تاریخی مسائل، طبقات دانشمندان، گفتمان‌ها، مکاتب، مکتوبات، سیر تکون و ... آن علم، علاوه بر ایجاد بستر ارزیابی و مقایسه، می‌تواند نگاهی عمیق در فلسفه آن علم، فهم ریشه‌دار مسائل و پاسخ آنها را نیز فراهم آورد.

1. Tudor Historical Thought.
2. Fred Jacob Levy.

نتیجه

برای درک درست از مفهوم اندیشه تاریخی، روش تعریف مُجمعی که از ظرفیت بالایی در گردآوری انتقادی تعریف‌های پیشین و توانایی ارائه تعریفی مرتبط با آنها را داشته، انتخاب شد که با تشکیل میدان معناشناسی از الفاظ هم‌معنا و یا نزدیک به اندیشه تاریخی، بیش از ۵۰ آثار داخلی و خارجی نوشته شده پیرامون «اندیشه تاریخی» انتخاب و تعریف آنها استخراج شد و در نهایت باتکیه بر تعریف‌ها و در نظر داشتن ملاحظات، اندیشه تاریخی به گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب‌نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ، معرفی گردید. با تعریف اندیشه تاریخی لازم بود تا جایگاه و تمایز آن با سایر مفاهیم هم‌عرض فلسفه تاریخ مشخص گردد لذا به تفاوت آن با تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در محدودیت این دو و شمول اندیشه تاریخی پرداخته شد و از آنجا که در میان آثار مختلف با تاریخ اندیشه نیز مورد اشتباه قرار گرفت، تفاوت آن دو در مفهوم، موضوع، مسئله، روش، هدف و نتیجه مشخص گردید.

منابع و مآخذ

۱. احمدیان دلاویز، حسن، اندیشه تاریخی علامه محمدحسین طباطبایی، قم، باقر العلوم، ۱۳۸۹.
۲. آدمیت، فریدون، تاریخ فکر: از سومر تا یونان و روم، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۰.
۳. استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۴. استنفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام و سمت، ۱۳۹۳.
۵. الویری، محسن، «پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۳، ص ۷۸-۵۷، ۱۳۹۱.
۶. الیاده، میرچا، تاریخ اندیشه‌های دینی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، کتاب پارسه، ۱۴۰۰.
۷. اولیچ، رابرت، مریان بزرگ (تاریخ اندیشه‌های تربیتی)، ترجمه علی شریعتمداری، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۸. ایبارا، میگل انخیل بونیس، المورسکیون فی الفکر التاریخی، ترجمه وسام محمد جزر، قاهره، المجلس الاعلی للثقافه، ۲۰۰۵ م.
۹. بحرانی، حوراء، اندیشه تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۷.

۱۰. بختیاری، محمد، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری زرین کوب»، *مجله تاریخ پژوهی*، ش ۴۶.
۱۱. پرهون، حسن، «فلسفه نظری استاد عبدالحسین زرین کوب باتکیه بر کتاب تاریخ در ترازو»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال سوم، ش ۳۵، تابستان ۱۳۷۹.
۱۲. توانایان‌فر، حسن، *تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام*، بی‌جا، ۱۳۶۱.
۱۳. حسینی، افضل سادات، *یادگیری از نظر تا عمل*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۹.
۱۴. حلی، علی اصغر، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی*، تهران، بهبهانی، ۱۳۷۳.
۱۵. خدای، قدیسه، *تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین (علیهم‌السلام) باتکیه بر نهج البلاغه*، قم، باقرالعلوم (علیه‌السلام)، ۱۳۸۸.
۱۶. خفاجی، محمودشاکر، *ملاحح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم*، نجف، دارالباقر، ط اول، ۱۴۲۹ ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، *نعت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۸. دهقان، خدیجه، *اندیشه تاریخی مرحوم علامه (عبدالحسین) امینی*، قم، باقرالعلوم (علیه‌السلام)، ۱۳۹۶.
۱۹. رایبسون، چیس اف، *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران، سمت، چ ۳، ۱۳۹۸.
۲۰. راعی گلوچه، سجاد، «هویت ملی و ایرانی‌گری در تاریخ‌نگاری زرین کوب»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۴، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۲.
۲۱. رحمان ستایش، محمد کاظم، «فرایند تاریخی اندیشه ولایت فقیه»، *حضور*، ش ۳۴، ص ۲۰-۳۱، ۱۳۷۹.
۲۲. رضوی، سید ابوالفضل، *فلسفه انتقادی تاریخ*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۳. روح‌الهی امیری، زهرا، «تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؟ بررسی موردی دیدگاه تقی‌الدین علی مقریزی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۴۰، ص ۵۴-۳۵، ۱۳۹۸.
۲۴. سالکی، بهزاد و مینا غرویان، و پرویز بیانی، *تاریخ اندیشه‌های دینی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۵.
۲۵. سایح، حمادی، *الفکر التاریخی بین التطویر و التنظیر عند البیرونی*، بیروت، دار الروافد الثقافیه - ناشرون، ۲۰۱۶ م.
۲۶. سجادی، سید صادق و هادی عالم‌زاده، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت، چ ۱۳، ۱۳۹۳.
۲۷. سمیونلز، *تاریخ اندیشه اقتصادی از ارسطو تا جان استوارت میل (پیش از میلاد تا سده نوزدهم)*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، مرکز، ۱۳۹۳.
۲۸. شعبان‌زاده، بهمن، «بررسی اندیشه‌های تاریخی - سیاسی مورخان عصر غزنوی باتکیه بر عتبی، بیهقی، گردیزیم»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، ش ۳، ۱۳۹۳.

درآمدی بر مفهوم اندیشه تاریخی با روش تعریف مُعجمی □ ۴۹

۲۹. شرفی، محبوبه، «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها»، *نشریه تاریخ*، ش ۱۵، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۸۷.
۳۰. صالحی، نصرالله، «تاریخ‌نگری و اصول تاریخ‌نگاری از دیدگاه زنده‌یاد عبدالحسین زرین‌کوب»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال سوم، ش ۳۵، تابستان ۱۳۷۹.
۳۱. طاهری، هادی، *اندیشه‌های تاریخی شهید بهشتی*، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۹۹.
۳۲. عبادی، محمدحسین، *بررسی تاریخی اندیشه ولایت فقیه از ابتدای قاجار تا انقلاب اسلامی*، البرز، دانشگاه البرز، ۱۳۹۷.
۳۳. عرب صالحی، خداخواست، *فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸.
۳۴. فیاض‌انوش، ابوالحسن، «نسبت نقد تاریخ با فراتاریخ؛ یک پیشنهاد»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۷۷، ۱۳۹۹.
۳۵. کافی، مجید، *فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت، ۱۳۹۹.
۳۶. کالینگوود، رابین جورج، *مفهوم کلی تاریخ*، علی‌اکبر مهدیان، تهران، انتشارات اختران، ۱۳۸۵.
۳۷. کوزری، حمید، *هگل و تفکر تاریخی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۳۸. کیانپور، زهرا، «روش‌شناسی تاریخ‌نگاری»، *کتاب ماه هنر*، ش ۱۵۸، آبان ۱۳۹۰.
۳۹. گرلیش، زیگفرید، *ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش*، ترجمه مهدی تدینی، تهران، انتشارات نشر ثالث، ۱۳۹۶.
۴۰. لشگری، علیرضا، *بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او*، البرز، ۱۳۹۶.
۴۱. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، معین، تهران، سی‌گل، چ اول، ۱۳۸۲.
۴۲. ملاموسی میبیدی، علی، «سیر تاریخ اندیشه سلفی‌گری در شبه‌قاره هند از قرن دوازده تا سیزده هجری»، *سراج منیر*، ش ۲۰، ۱۳۹۴.
۴۳. ملائی توانی، علیرضا، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، انتشارات نشر نی، چ ۱۴، ۱۳۹۹.

۴۴. نظر نژاد، نرگس، **ماهیت و انواع تعریف**، تبریز، انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز، چ ۱، ۱۳۸۱.

۴۵. نوذری، حسینعلی، **فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**، تهران، طرح نو، ۱۳۹۲.

۴۶. نولته، ارنست، **قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت**، ترجمه مهدی تدینی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶.

۴۷. والش، دبلیو اچ، **مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ**، ترجمه ضیاء الدین علایی طباطبایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

48. Douma, Michael, *Creative Historical Thinking*, Britannia: Routledge, 2018.
49. Duquette, Catherine, *Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment*, In the book *New Directions in Assessing Historical Thinking*, London, Routledge.
50. Ercikan, Kadriye Seixas Peter, *New Directions in Assessing Historical Thinking*, New York, Routledge, 2015.
51. Margaret, Meserve, *Empires of Islam in Renaissance Historical Thought*, Harvard Historical Studies, 2008.
52. Seixas, D. r Peter & Tom Morton, *The Big Six Historical Thinking Concepts*, Toronto, Nelson Canada ELHI, 2013.